

توانمندسازی اجتماع محور با رویکرد ظرفیت سازی در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان: یک مدل داده بنیاد

عبدالباسط مرادزاده^۱، محمد قاسمی^۲ و حبیب الله سالارزهی^{۳*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱

چکیده:

این پژوهش با هدف طراحی الگوی توانمندسازی اجتماع محور با رویکرد ظرفیت سازی در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان اجرا شده است. روش پژوهش، کیفی و مبتنی بر نظریه داده بنیاد بوده که فرایند آن در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی و از طریق مصاحبه عمیق با صاحب نظران این حوزه صورت گرفته است. در این راستا با استفاده از رویکرد هدفمند و به کارگیری معیار اشباع نظری، مصاحبه‌هایی نیمه ساختاریافته با ۱۸ نفر از متخصصین و خبرگان این حوزه (شامل مسئولان سازمانی، اساتید دانشگاهی و تسهیلاتگران اجتماعی) صورت پذیرفته است. نتایج تحلیل داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری، حاکی از شناسایی ۲۸۶ مفهوم است که با پالایش بیشتر و حذف موارد تکراری، در نهایت، ۲۶۹ مفهوم اشباع شده ساخته شد که در مرحله کدگذاری محوری، در ۲۷ مقوله دسته‌بندی و در پژوهش حاضر در قالب مدل پارادایمی شامل: شرایط علی (پتانسیل‌ها و قابلیت‌های بالقوه فراوان، ساختار جمعیتی و محیطی، مرزی بودن مناطق روستایی، بالا بودن شاخص فقر و محرومیت، اهمیت توسعه روستایی در توسعه ملی، رشد مهاجرت روستائیان به شهر)، پدیده محوری (ظرفیت سازی جامعه محلی)، راهبردها (اقتصادی، کارآفرینی و اشتغال‌زایی، آموزشی و روان‌شناختی، نهادی، سازمانی و قانونی، فرهنگی و اجتماعی، تیم سازی، شبکه سازی و مدیریت محلی)، شرایط زمینه‌ای (عوامل فردی، محیطی و سازمانی)، شرایط مداخله‌گر (عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل آموزشی، عوامل دولتی و نهادی، عوامل اقتصادی، عوامل محیطی و جغرافیایی) و پیامدها (توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی، فعال سازی جامعه و ذی‌نفعان محلی، بهبود وضعیت فرهنگی و آموزشی، ارتقای سرمایه اجتماعی، ظرفیت سازی محلی، بهبود شاخص‌های رفاه و سلامت) ارائه شده و در مرحله کدگذاری انتخابی، از طریق به کارگیری رویکردهای «نگارش خط داستان» و «یادداشت نگاری»، مقوله محوری به سایر مقوله‌ها ارتباط داده شده و الگوی توانمندسازی اجتماع محور، تدوین و ارائه شد.

واژگان کلیدی: توانمندسازی اجتماع محور، سیستان و بلوچستان، ظرفیت‌سازی محلی، مناطق روستایی.

۱. استادیار گروه مدیریت دانشگاه ولایت ایرانشهر و دانش‌آموخته مقطع دکتری دانشگاه سسیستان و بلوچستان. سیستان و بلوچستان، ایران.

ab.moradzadeh@velayat.ac.ir

۲. دانشیار گروه مدیریت دانشگاه سیستان و بلوچستان. سیستان و بلوچستان، ایران. m_ghasemi@mgmt.usb.ac.ir

۳. دانشیار گروه مدیریت دانشگاه سیستان و بلوچستان. سیستان و بلوچستان، ایران. (نویسنده مسئول). salarzehi@mgmt.usb.ac.ir

Community-based Empowerment by Building Capacity Approach in Rural Areas of Sistan and Balochestan Province: An Introduction of GT

Abdolbaset Moradzadeh¹, Mohammad Ghasemi² & Habibollah Salarzahi^{*3}

Received: 2019-03-15

Accepted: 2020-04-20

Abstract

The main purpose of the research is designing community-based empowerment pattern with capacitating approach in rural regions of Sistan and Baluchistan Province. The methodology is qualitative and based on grounded theory that its process consists of three phases such as open, axial and selective coding and is implemented through depth interview with experts in this field. So, semi-structured with 18 experts in this field (containing organizational managers, academic professors and social facilitators) by using purposeful approach and using conceptual saturation criterion. The results from data analysis during 3 steps coding identified 286 concept that by more filterings and omitting duplicated items finally 269 saturated concepts were made that in axial coding were categorized in 27 categories and in this research they are proposed in paradigm model such as: reasoned circumstances (abundant potential abilities and potentials, population and environmental structure, placing the rural regions in boundary area, being high the poverty and deprivation index, the importance of rural development in national development, the growth of rural migration into cities), phenomenon orientation (capacitating the domestic community), strategies (economic, entrepreneurial and employment, educating and psychologic, institutional, organizational and legal, cultural and social, team making, networking and domestic management), basic situations (personal, environmental and organizational factors), intermediating factors (social and cultural factors, educational factors, institutional and governmental factors, economic factors, environmental and geographical factors) and outcomes (entrepreneurship development in rural regions, activating the community and domestic stakeholders, improving cultural and educational status, ascending social capital, domestic capacitating, improving health and welfare indexes) and in selective coding phase, by using “story handwriting” and “memory writing” the main category is related to other categories and the social oriented empowerment pattern is edited and offered.

Keywords: Community-based Empowerment, Rural Regions, Local Capacity Building, Sistan & Balochestan.

1. Assistant Professor, Department of Management, Velayat University - Doctor of Public Administration, Sistan & Baluchestan University. Sistan & Baluchestan, Iran. ab.moradzadeh@velayat.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Management, Sistan & Baluchestan University. Sistan & Baluchestan, Iran. m_ghasemi@mgmt.usb.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Management, Sistan & Baluchestan University. Sistan & Baluchestan, Iran. salarzahi@mgmt.usb.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

نهادهای محلی محصول رویکردی جدید به مفهوم توسعه‌اند، به همین دلیل شناسایی نقش‌ها و کارکردهایشان مستلزم تغییر جهت عمده پارادایمی نسبت به دیدگاه‌های سنتی است. گفت‌وگوهای توسعه تا پیش از دهه ۱۹۷۰ مبتنی بر توسعه از بالا بود که در آن نقش عنصر مشارکت اجتماعی نادیده گرفته می‌شد. اما از دهه ۱۹۷۰ به بعد، توسعه، بافتی ملی، بومی و درنهایت، محلی به خود گرفت. در تعاریف جدید، واگذاری اختیارات دولت مرکزی به نهادهای محلی، مشارکت مردم محلی در تصمیم‌گیری‌ها، توانمندسازی اقتصادی در سطوح خرد محلی و متغیرهای فرهنگی و اجتماعی، شاخص‌های اصلی توسعه قلمداد می‌شوند (ایمانی جاجرمی و نوایی، ۱۳۹۳: ۲۳۴).

در مناطق کمتر توسعه‌یافته به دلیل انباشت مسائل و چالش‌های توسعه‌ای در گذر زمان، رهیافت‌های صرفاً دولتی و بوروکراتیک نسبت به توسعه، تا حد زیادی کارایی خود را از دست داده و بر همین اساس است که مؤسسات و سازمان‌های ملی و بین‌المللی بسیاری، ترویج توسعه با رویکرد مشارکتی و اجتماع‌محور را اساس برنامه‌ها و فعالیت‌های خود قرار داده‌اند. ازسویی، ناتوانی اجتماعی و عدم مشارکت افراد در روند توسعه، حداقل در بخشی از جمعیت روستایی، از مشکلات اساسی نواحی روستایی کشور به حساب می‌آید. این موضوع در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان از اهمیت بیشتری برخوردار است. چراکه در طول سال‌های گذشته در بُعد زیرساخت‌ها اقدامات زیادی صورت گرفته و خدمات زیادی ارائه شده است، اما تغییر محسوس در شاخص‌های توسعه و رفاه اجتماعی ایجاد نشده است. کم‌اینکه بر اساس آخرین گزارش نرخ فقر ارائه‌شده در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بالاترین نرخ (۳۸٪)، مربوط به این استان است.

از جمعیت ۲/۷۷۵/۰۱۴ میلیون نفری استان مطابق سرشماری سال ۱۳۹۵، معادل ۵۱/۴ درصد، یعنی ۱/۴۲۷/۳۳۲ میلیون نفر (۳۶۹/۲۲۶ خانوار) در مناطق روستایی ساکن هستند که البته از لحاظ شاخص‌های توسعه‌یافتگی، اکثر مناطق روستایی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند. این موضوع، در کنار ضعف آموزش‌های مهارتی جامعه محلی باعث شده است که بسیاری از ظرفیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی مغفول مانده، از پتانسیل نیروهای انسانی موجود استفاده مطلوب نشده، گرایش به مشاغل کاذب تشدید یافته و بر آمار بیکاران این مناطق روزه‌روز افزوده شود. این وضعیت علاوه بر ضربه زدن به پیکره بافت روستایی، باعث خواهد شد که در گذر زمان، بسیاری از این روستائیان روانه شهرها شده و عمدتاً در حاشیه مناطق شهری سکنی گزینند. پیامد این مهاجرت آسیب‌زا، علاوه بر از بین رفتن پتانسیل‌های بالقوه مولد در روستاها، باعث ایجاد بحران‌های اجتماعی و فرهنگی متعددی نیز در حاشیه شهرها خواهد شد. لذا آنچه در این میان تاکنون مغفول مانده، تمرکز بر توانمندسازی ظرفیت‌سازی ذی‌نفعان محلی است.

بنابراین، حضور فعال رویکردهای اجتماع‌محور در این منطقه می‌تواند ضمن بالفعل کردن توانمندی‌های بی‌شماری که در منطقه وجود دارد، به هم‌راستایی و همراهی جامعه محلی در پروژه‌های دولتی نیز منجر شود. در این راستا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش کلیدی است که: الگوی توانمندسازی اجتماع‌محور در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان دارای چه ابعاد، مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی بوده و با چه مختصاتی می‌تواند به ظرفیت‌سازی در ذی‌نفعان و ساکنان این مناطق منجر شود؟

مبانی نظری پژوهش

مطالعات صاحب‌نظران علوم اجتماعی نشان می‌دهد که دستیابی به توسعه پایدار روستایی بدون مشارکت آحاد ساکنان این نواحی در تمامی عرصه‌ها اعم از عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۱: ۲۶). لذا در حالی که بسیاری از محققان بر توانمندسازی به عنوان یک رویکرد «قدرت سیاسی» دو جانبه متمرکز شده‌اند، روند اخیر تحقیقات، به‌طور فزاینده‌ای، توانمندسازی را به عنوان یک ساختار چند بُعدی، با ابعاد روانشناختی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در نظر می‌گیرند (بولی و همکاران^۱، ۲۰۱۴: ۱۰۸؛ استرزلکا و همکاران^۲، ۲۰۱۷: ۴۶).

در این میان، به عنوان یک رویکرد قابل اتکاء، شیونز (۲۰۰۰)، توانمندسازی اجتماع‌محور را به عنوان «موقعیتی که در آن احساس انسجام و یکپارچگی اعضای جامعه از طریق فعالیت‌هایی با رویکرد مشارکتی تأیید و یا تقویت می‌شود»، تعریف کرده است. تسهیم اعضای جامعه در منافع حاصل از پروژه‌های محلی، از طریق فراهم کردن زیرساخت‌ها، آموزش و بهداشت، به بهبود معیشت محلی کمک می‌کند. این امر مردم را قادر می‌سازد تا با هماهنگی بیشتری در کنار هم زندگی کرده، بنابراین، منجر به توانمندسازی اجتماعی می‌شود. در حالی که مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری منجر به توانمندسازی سیاسی می‌شود، توانمندی روانشناختی، عزت نفس اعضای جامعه است که می‌تواند با شناخت بازدیدکنندگان از منابع فرهنگی، طبیعی و بافت سنتی جامعه محلی ارتقاء یابد (نایاپان و پودل^۳، ۲۰۱۱: ۷۳).

1 Boley et al

2 Strzelecka et al

3 Nyuapane & Poudel

تأکید رویکرد توانمندسازی اجتماع محور روستایی بر این است که بسیاری از برنامه‌های توسعه روستایی که توسط عوامل بیرونی به مرحله اجرا گذاشته می‌شود دارای یک نقطه ضعف بزرگ است و آن اینکه برنامه‌های مذکور تا زمانی که از حمایت همان عوامل بیرونی برخوردار است دارای پایداری کلی است و بسیاری از جوامع روستایی نمی‌توانند این پایداری و توسعه‌یافتگی را به دلیل پایین بودن توانمندی خود حفظ کنند (آریفودین و همکاران^۱، ۲۰۱۳: ۱۳۲).

در واقع، دو رویکرد عام در توسعه و پرداختن به مسائل و نیازهای جامعه قابل توجه است: اول، رویکرد ارائه مستقیم خدمات^۲ و ساختارسازی، که دولت‌مدار و عرضه محور است و دوم، رویکرد اجتماع محور^۳، که در اصل، تقاضامدار است. آنچه اغلب توسط دولت‌ها و سازمان‌های متولی در دهه‌های اخیر مورد استفاده قرار گرفته و هنوز هم به کار گرفته می‌شود، رویکرد اول است. این رویکرد معمولاً بر پایه تشخیص نیازها توسط متولیان امر در فرایندی از بالا به پایین شکل گرفته و برنامه‌ریزی توسط آنها بدون توجه به لزوم حضور و مشارکت واقعی جوامع محلی صورت می‌گیرد. در حالی که رویکرد اجتماع محور، بیش از همه بر نقش بخش داوطلبانه و مردمی در توسعه محلی و شکل‌گیری سازمان‌های اجتماع محور^۴ تأکید دارد. در این رویکرد، اجتماعات محلی پیش‌قدم شده، به صورت خودجوش سازمان یافته تا به علائق و اهداف مشترک از جمله حل مسائل، دستیابی به رفاه اجتماعی و خروج از وضعیت موجود جامعه محلی خود دست یابند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی مردم و سازمان‌های اجتماع محور، عنصر مرکزی این رویکرد محسوب می‌شود. گروه‌های سازمان یافته، دارای ظرفیت نوآوری، پاسخ‌گویی سریع به نیازهای محلی و ارائه خدمات مناسب بوده و این ویژگی‌ها، مزیت نسبی آنها در پیشبرد توسعه در سطوح محلی است (یوسفی سادات و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸).

1 Arifudin

2 Service providing

3 Community based

4 Community based Organization

پیشینه پژوهش

«الگوی تحلیلی اثربخشی سازمان‌های محلی اجتماع‌محور بر سرمایه اجتماعی نواحی روستایی بخش بندپی شرقی شهرستان بابل»، عنوان پژوهشی است که بریمانی و همکاران (۱۳۹۶)، انجام داده‌اند. نتیجه‌گیری پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که سازمان‌های محلی اجتماع‌محور، الگوی مناسبی برای تولید سرمایه اجتماعی در نواحی روستایی هستند.

بریمانی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی ابعاد اثربخشی سازمان‌های مالی اجتماع‌محور بر توسعه اجتماعی-اقتصادی نواحی روستایی»، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا سعی در شناخت ابعاد اجتماعی-اقتصادی تأثیرگذاری انجمن‌های مالی بر توسعه روستایی داشته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که در بُعد اجتماعی، انجمن‌ها بر سرمایه‌های انسانی (بهداشت، آموزش، مهارت) و در بُعد اقتصادی بر سرمایه‌های مالی (بیمه، پس‌انداز و تنوع درآمدی) تأثیرگذار است.

در پژوهشی با عنوان «ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی به‌مثابه رویکردی در توانمندسازی نهادهای اجتماعی»، رفیعیان و همکاران (۱۳۹۳)، نشان داده‌اند که رویکرد ظرفیت‌سازی، از طریق مشارکت ذی‌نفعان در برنامه‌های اجتماعات محلی، تأثیر قابل‌توجهی بر توانمندسازی افراد و گروه‌ها داشته و به ارتقای مهارت و دانش، افزایش پیوندهای اجتماعی و بسیج منابع بها هدف رفع نیازهای مربوط به اجتماعات محلی منجر می‌شود.

حسین و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانمندسازی بر رضایت از زندگی در روستائیان بنگلادش پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از وجود یک رابطه مثبت بین توانمندسازی و رضایت از زندگی است. نتایج این پژوهش همچنین حاکی از این است که زنان بیشتر از آنکه از مزایای مالی توانمندسازی احساس رضایت داشته باشند، از عضویت در گروه‌ها احساس خوشایندی داشته‌اند.

«توانمندسازی ذی‌نفعان از طریق برنامه‌ریزی مشارکتی» عنوان پژوهش اسپاس و اسکولوبیگ^۲ (۲۰۱۷) است که برای تدوین مدلی برای کاهش تنش بین ذی‌نفعان یک پروژه انتقال انرژی در نروژ انجام شده است. در این پژوهش، با فرض اینکه مسئله توانمندسازی ذی‌نفعان برای ارتقای مشارکت آن‌ها مهم بوده و سطح بالاتری از توانمندسازی، فرایند برنامه‌ریزی را بهبود می‌بخشد، افزایش مشارکت ذی‌نفعان را به‌عنوان راه‌حلی برای افزایش مقبولیت پروژه در بین جامعه محلی دانسته‌اند.

1 Hossein

2 Spath & Scolobig

جیمز^۱ (۲۰۱۳) بر این عقیده است ظرفیت‌سازی اجتماعی با تقویت اعتماد به نفس، امکان مشارکت روستاییان را در فعالیتهای عمرانی فراهم می‌کند. مطالعات انگل^۲ و همکاران (۲۰۱۲)، نشان می‌دهد بین تقویت ظرفیت‌سازی اجتماعی و مشارکت روستاییان در پروژه‌های محلی به دلیل رضایت‌مندی بیشتر، انسجام اجتماعی، کاهش تعارضات بین روستاییان و افزایش میزان اعتماد به یکدیگر، رابطه مثبتی وجود دارد.

توانمندسازی اجتماع محور در مناطق روستایی موضوعی است که در سال‌های گذشته مورد توجه مضاعفی قرار گرفته و با رویکردهای مختلف پژوهشی بررسی شده است. اگر چه در نشریه‌های لاتین با جامعیت بیشتری به این موضوع پرداخته شده اما مرور تحقیقات داخلی نیز حاکی از روند روبه‌رشد پژوهش در این زمینه است. در واقع، در بستر مطالعات مرتبط با توسعه روستایی، توانمندسازی ذی‌نفعان یکی از متغیرهایی است که رفته‌رفته سهم عمده‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. در پژوهش‌هایی که مورد اشاره قرار گرفت، نکاتی از قبیل: نقش اثرگذار سرمایه اجتماعی بر فرایند توانمندسازی اجتماعات محلی، اهمیت ظرفیت‌سازی در اعضای جوامع محلی برای ایفای نقش فعال در فرایند توسعه محلی، رابطه تمایل به مشارکت و توانمندسازی و نقش مشارکت و توانمندسازی در کاهش تعارضات و تنش‌های مخرب و ارتقای آگاهی، انسجام و اعتماد اجتماعی، دارای برجستگی بیشتری هستند. در واقع، بسیاری از موارد مذکور، به‌عنوان مؤلفه‌های مدل این پژوهش، مورد ارزیابی، تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

1 James

2 Engel

روش تحقیق

این پژوهش الگوی مفهومی جدیدی را با استفاده از داده‌ها و اطلاعات واقعی توانمندسازی اجتماع محور مورد آزمایش قرار می‌دهد. لذا از منظر هدف می‌تواند در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار گیرد. از طرفی باتوجه به اینکه هدف این پژوهش، ارائه مدل توانمندسازی اجتماع محور در مناطق روستایی است و به دنبال تدوین موارد قابل تعمیم یک نظریه است، پژوهشی بنیادی است. همچنین پژوهش از نظر شیوه گردآوری و تحلیل اطلاعات از نوع توصیفی است زیرا به مطالعه آنچه هست می‌پردازد. این مطالعه همچنین از نوع پژوهش‌های کیفی است. چراکه از طریق یک فرایند بررسی، فهم و درک، به دنبال کشف یک مسئله اجتماعی و یا انسانی است. از آنجایی که هدف این پژوهش، ارائه مدلی چندوجهی، جامع و فرایندی برای فهم توانمندسازی اجتماع محور در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان است، این کار با انجام پژوهش کیفی از نوع نظریه داده بنیاد که شیوه آن اکتشافی است، انجام می‌شود.

در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری به صورت هدف دار، انتخابی و با استفاده از دو روش گلوله برفی و انتخابی از میان خبرگان این حوزه، شامل اساتید دانشگاه که در زمینه مباحثی از قبیل توانمندسازی اجتماع محور، توسعه روستایی و مشارکت مردمی دارای کار پژوهشی مرتبط بوده و یا فعالیت اجرایی داشته‌اند و نیز کارشناسان سازمان‌های مرتبط با توسعه و توانمندسازی روستاییان و با در نظر گرفتن سه معیار «برخوردار از دانش علمی و تخصصی در حوزه توانمندسازی اجتماع محور»، «برخوردار از سابقه اجرایی (رسمی و یا غیررسمی) در حوزه توانمندسازی» و «دارای سوابق پژوهشی در زمینه موضوع پژوهش»، انجام شد. نکته مهم در تعیین نمونه برای مصاحبه‌ها این بود که سعی شد افرادی در فرایند مصاحبه‌ها مشارکت داده شوند که به طور مستقیم در مباحث توسعه و توانمندسازی روستایی نقش داشته، ضمن اینکه از بافت فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی منطقه مورد پژوهش، آگاهی عمیق داشته باشند.

جدول ۱ پراکنش مصاحبه‌شوندگان را باتوجه به معیار خبرگی مورد نظر نشان می‌دهد.

جدول ۱. ویژگی‌های صاحب‌نظران کلیدی توانمندسازی اجتماع محور مشارکت‌کننده در مصاحبه‌ها

ردیف	مرتبۀ علمی / مسئولیت سازمانی	زمینه تخصصی	جنسیت	تعداد مراجعه
۱	عضو هیئت‌علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان	کارآفرینی و توانمندسازی	مرد	۲
۲	عضو هیئت‌علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان	مدیریت توسعه	مرد	۲
۳	عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی	اقتصاد اجتماعی	مرد	۱
۴	عضو هیئت‌علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان	ارتباطات اجتماعی	مرد	۲
۵	مدیرکل دفتر روستایی استانداری سیستان و بلوچستان	توسعه و توانمندسازی روستایی	مرد	۱
۶	مدیرکل امور اجتماعی استانداری سیستان و بلوچستان	برنامه‌ریزی اجتماعی	مرد	۲
۷	مدیرکل امور عشایری سیستان و بلوچستان	توسعه مناطق روستایی و مرزی	مرد	۱
۸	مدیر تعاون روستایی استان سیستان و بلوچستان	مشارکت روستایی	مرد	۱
۹	رئیس صندوق کارآفرینی امید سیستان و بلوچستان	کارآفرینی و اشتغال روستایی	مرد	۱
۱۰	معاون مدیرکل روستایی استانداری سیستان و بلوچستان	برنامه‌ریزی و توسعه روستایی	زن	۱
۱۱	معاون اداره کل میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان	گردشگری روستایی	مرد	۲
۱۲	معاون اداره کل کمیته امداد سیستان و بلوچستان	خودکفایی و اشتغال	مرد	۱
۱۳	پژوهشگر اقتصاد اجتماعی (خارج از استان)	اقتصاد اجتماعی	مرد	۱
۱۴	تسهیلگر اجتماعی (فعال اجتماعی در استان)	توانمندسازی روستایی	زن	۱
۱۵	بخشدار کورین (زاهدان)	توسعه و توانمندسازی روستایی	مرد	۲
۱۶	مدیر بیمه صندوق اجتماعی روستائیان و عشایر استان	توسعه و توانمندسازی روستایی	مرد	۱
۱۷	مدیر گروه پژوهشی توسعه روستایی (خارج از استان)	توسعه و توانمندسازی روستایی	مرد	۱
۱۸	کارشناس معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم	توسعه روستایی	مرد	۱

تعداد ۱۸ مصاحبه نیمه ساختاریافته با تأکید حداقلی بر سؤال‌های از پیش تعیین شده و به صورت حضوری انجام شد. برای کفایت نمونه‌گیری از نمونه‌گیری نظری^۱ استفاده شده است. زمانی که محقق احساس کند مطلب جدید و تکمیل‌کننده‌ای به نظریه افزوده نمی‌شود، فرایند نمونه‌گیری و انجام مصاحبه‌ها متوقف خواهد شد. در این پژوهش با انجام ۱۸ مصاحبه عمیق، کفایت نظری حاصل شد.

روال انجام کار، کدگذاری و طبقه‌بندی مطابق با دستورالعمل انجام تحقیقات تئوری داده‌بنیاد استراوس و کوربین^۲ (۱۹۹۴) بوده است. به طوری که با استفاده از فن مقایسه و تحلیل مستمر بعد از انجام هر مصاحبه، تحلیل و کدگذاری باز داده‌های به دست آمده آن محور کامل انجام شده و مقوله‌های فرعی و اصلی تا جایی که امکان پذیر بود استخراج شده است.

همچنین در طول فرایند تحلیل، هر جا که نیاز بوده پژوهشگر به نگارش یادداشت‌های مربوط به هر مقوله یا کد اقدام کرده است. ضمن اینکه پس از انجام هر مصاحبه و انجام کدگذاری باز، الگوی شکل گرفته، در اختیار مصاحبه‌شونده قبلی قرار داده شده و راجع به میزان تناسب ایده اولیه با نظرات و صحبت‌های وی، ارزیابی و هم‌فکری مجدد صورت می‌گرفت.

مراحل کدگذاری در گراند تئوری شامل: (۱) گام اول: کدگذاری باز^۳؛ (۲) گام دوم: کدگذاری محوری^۴؛ (۳) گام سوم: کدگذاری انتخابی^۵ است.

در پژوهش حاضر، برای ارتقای اعتبار یافته‌ها، در مرحله شناسه‌گذاری باز به روش مقایسه‌ای پیوسته به تطابق همگونی میان اطلاعات و مقوله‌ها پرداخته شده و در مرحله شناسه‌گذاری محوری، بازبینی داده‌ها نسبت به مقوله‌ها انجام شد.

1 Theoretical Sampling
 2 Strauss and Corbin
 3 Open Coding
 4 Axial Coding
 5 Selective Coding

همچنین برای ارزیابی پایایی پژوهش از شاخص ثبات یا پایایی بازآزمون^۱ استفاده شد که به میزان سازگاری طبقه‌بندی داده‌ها در طول زمان اشاره دارد. این شاخص را زمانی می‌توان استفاده کرد که کدگذار، یک متن را در دو زمان متفاوت کدگذاری کرده باشد. در این پژوهش، برای محاسبه پایایی بازآزمون، سه مصاحبه انتخاب و هرکدام از آنها دو بار در فاصله زمانی ده‌روزه توسط پژوهشگر شناسه‌گذاری شد. نتایج این فرایند در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. محاسبه پایایی بازآزمون پژوهش

ردیف	عنوان	تعداد کل شناسه‌ها	تعداد توافقیها	تعداد عدم توافقیها	پایایی بازآزمون
۱	مصاحبه چهارم	۱۸	۷	۴	۰,۷۷
۲	مصاحبه یازدهم	۲۱	۸	۵	۰,۷۶
۳	مصاحبه پانزدهم	۲۸	۱۰	۵	۰,۷۱
	کل	۶۷	۲۵	۱۴	۰,۷۴

یافته‌های جدول ۲ حاکی از آن است که در دو فاصله زمانی ده‌روزه، تعداد کل کدها، برابر با ۶۷، توافقی‌های انجام‌شده در هر سه مصاحبه برابر با ۲۵ و تعداد کل عدم توافقی‌ها برابر با ۱۴ مورد است. همچنین پایایی بازآزمون حاصل از این روند، برابر با ۰,۷۴ است. بنابراین، از آنجایی که این میزان از ۶۰ درصد بیشتر است، می‌توان ادعا کرد پایایی کدگذاری‌های این تحقیق، مورد تأیید است.

1 Repeatability or test-retest reliability

تحلیل داده‌های پژوهش

داده‌های پژوهش حاضر مبتنی بر ساختار نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد و از طریق فرایند شناسه‌گذاری، مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفت. به گونه‌ای که برای تدوین طبقه‌های اطلاعاتی از شناسه‌گذاری باز، به منظور مرتبط ساختن این طبقه‌ها از شناسه‌گذاری محوری و برای ایجاد خط سیر داستانی و روایتی برای پیوند طبقه‌ها با یکدیگر، از شناسه‌گذاری انتخابی استفاده شده است. به‌ویژه در مرحله انتخابی، محقق سعی کرده است از طریق ایجاد یک چارچوب روایتی و با به‌کارگیری فن «یادداشت‌نگاری»، داده‌ها را به‌منظور رسیدن به یک تئوری قابل اتکا مورد تحلیل عمیق قرار دهد.

مرحله اول: کدگذاری باز

در این پژوهش، مصاحبه‌های انجام‌شده پس از پیاده‌سازی، با استفاده از روش تحلیل محتوا^۱ به‌صورت سطر به سطر بررسی، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی شد. سپس بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و ویژگی‌های مشترک بین شناسه‌های باز، مفاهیم و مقوله‌ها (طبقه‌ای از مفاهیم) مشخص شد. پس از انجام مصاحبه شازدهم، تکرار در داده‌ها مشاهده شد و بررسی‌ها حاکی از عدم شناسایی مفهوم جدیدی بود، با وجود این، به‌منظور دقت و اطمینان بیشتر، درنهایت با ۱۸ نفر مصاحبه انجام شد.

در این مرحله، ابتدا ۲۸۶ مفهوم شناسایی شد. در فرایند بررسی دقیق‌تر، مواردی که مشابهت زیادی به یکدیگر داشته و یا تکراری بودند حذف شده و درنهایت، ۲۶۹ مفهوم منحصربه‌فرد ساخته شد. از مفاهیم به‌دست‌آمده از متن مصاحبه‌ها، مقوله‌ها ساخته شدند و این مقوله‌ها در اختیار چند تن از اساتید دانشگاه و نیز خبرگان حوزه توانمندسازی اجتماع‌محور قرار گرفت تا رأی و نظر خود را در مورد مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها بیان دارند و پس از جمع‌آوری نظر آن‌ها، ۲۷ مقوله ارائه شد.

مرحله دوم: کدگذاری محوری

پس از انجام کدگذاری باز و به دست آمدن مقوله‌های اصلی تحقیق، کدگذاری محوری انجام شد. در این پژوهش، «ظرفیت‌سازی جامعه محلی»، مقوله محوری نام گرفت به گونه‌ای که نماینده کلیه های مقوله‌های شناسایی شده در این پژوهش است. به‌طور کلی، اکثر مصاحبه‌شوندگان، اذعان داشتند که تمام فعالیت‌ها و برنامه‌های توانمندسازی اجتماع محور، به ظرفیت‌سازی در جامعه محلی ختم می‌شود. در این زمینه، به‌طور نمونه یکی از مصاحبه‌شوندگان (مصاحبه شماره ۳) اظهار داشت:

«مردم این استان و شاید خیلی جاهای دیگر، به‌خصوص در مناطق روستایی اگرچه قابلیت‌های زیادی در اطرافشان وجود دارد، اما به دلیل وابستگی زیاد به سیستم دولتی (یارانه و ...) نتوانستن از این قابلیت‌ها ارزش افزوده ایجاد کنند. خیلی روستاها پتانسیل کشاورزی، گردشگری و ... دارن ولی شاید زیر ۲۰ درصد از اون‌ها استفاده مطلوب شده باشه. به‌همین دلیل، برای اینکه سطح رفاه و کیفیت زندگی در مناطق روستایی ارتقا پیدا کنه، قبل از هر چیز باید ظرفیت‌های جامعه محلی را ارتقا داد».

بر اساس تحلیل داده‌های کیفی، مرحله شناسه‌گذاری محوری تکمیل شد که طبق آن، خط ارتباطی میان مقوله‌های پژوهش شامل شرایط علی، مقوله محوری، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها مشخص شد.

مرحله سوم: کدگذاری انتخابی و خلق نظریه

در این مرحله از کدگذاری، نظریه پرداز داده بنیاد، یک نظریه از روابط فی مابین مقوله های موجود در مدل کدگذاری محوری به نگارش درمی آورد. در یک سطح اصلی، این نظریه شرحی انتزاعی برای فرایندی که در پژوهش مطالعه می شود، ارائه می دهد.

بنابراین، در این قسمت با تمرکز بر مقوله محوری، سعی می شود ارتباط مقوله ها با یکدیگر مبتنی بر رویکرد روایتی و بر اساس گزاره های کلامی که خبرگان و مشارکت کنندگان در پژوهش ارائه کرده اند، تحلیل و تبیین بیشتری شود. لذا در ادامه و مبتنی بر فرایند کدگذاری انتخابی، سعی می شود با روایت دیدگاه های صاحب نظران و مشارکت کنندگان در پژوهش، زمینه ای برای بسترسازی به منظور تدوین الگوی مطلوب بر اساس روش داده بنیاد فراهم شود.

در مرحله کدگذاری محوری، «ظرفیت سازی در جامعه محلی»، به عنوان مقوله محوری معرفی شد. اشاره اصلی این مقوله به این نکته است که در کنار همه ساختار سازی و حمایت های مستقیم دولت از روستاییان، برای اینکه توسعه پایدار به مفهوم واقعی در این مناطق محقق شود، بیش از همه نیاز است تمرکز اصلی و محوری بر ظرفیت ها، قابلیت ها و توانمندی های خود روستاییان باشد. برای تبیین بیشتر این مسئله، بیان روایت مشهور «به جای ماهی، ماهیگیری یاد دهیم» خالی از لطف نیست. ضمن اینکه وقتی فردی بر اساس توانایی و مهارت های خود موفق به کسب درآمد شود، اشتیاق بیشتری برای توسعه مهارت ها و در نتیجه، پایداری درآمدش خواهد داشت^۱.

یکی از مشارکت کنندگان در پژوهش (مصاحبه شماره ۳)، در همین زمینه این گونه اظهار نظر کرده

است:

«در زمینه مسائل استان و به خصوص مناطق روستایی، شاید بهتر باشه، کمتر از واژه محرومیت زدایی که یک اصطلاح منفی هست استفاده کنیم. به جای اون، عبارت توانمندسازی رو به کار ببریم بهتره. دلایل هم این است که محروم یعنی کسی که از یکسری چیزها بی بهره هست. در صورتی که در خیلی از مناطق روستایی استان، پتانسیل های زیادی در بخش های گردشگری، کشاورزی، دامداری، شیلات و .. وجود دارد که اگر روستاییان آموزش داده شوند که چطور از این ظرفیت ها استفاده کنند، نتیجه خیلی بهتری خواهد داشت. بنابراین، آگه دولت زیرساخت ها رو خودش تأمین کنه و برای مسائلی از قبیل اشتغال و درآمد، ظرفیت های خود روستاییان رو ارتقا بدهد، در درازمدت نتایج بهتری خواهد داشت».

۱ مولانا در همین مضمون به نکته قابل تأملی اشاره می کند: هر کجا عشق آید و ساکن شود هر چه ناممکن بود، ممکن شود

موارد مذکور، مؤید این نکته است که صاحب نظران و خیرگان مشارکت کننده در پژوهش، برای مبحث «ظرفیت سازی روستائیان» اهمیت زیادی قائل هستند. درواقع، نقطه مقابل ظرفیت سازی را وابستگی و درنهایت، زایل شدن پتانسیل ها و قابلیت های فردی و محیطی می دانند. اینکه چرا مقوله ظرفیت سازی دارای اهمیت است نیز از جنبه های مختلف مورد اشاره مصاحبه کنندگان قرار گرفته است. این ها همان شرایط علی که زمینه ساز پدیده محوری هستند، قلمداد می شوند. درواقع، این عوامل چرایی و ضرورت توانمندسازی اجتماع محور در مناطق روستایی استان را تبیین می کنند.

یکی از مصاحبه شوندهگان (مصاحبه شماره ۱۱) در همین زمینه اظهار داشت:

«خیلی از روستاها هستند که پتانسیل های بالقوه برای اشتغال دارند ولی وقتی نگاه می کنیم می بینیم در اکثر شاخص ها ضعیف هستند. وضعیت آموزشی، بهداشتی و ... اصلاً مناسب نیست. حتی این طور هم نیست که روستاهای در حاشیه و یا دور از مناطق شهری باشند. خیلی از روستاهایی که وضعیت این چنینی دارند حتی فاصله نزدیکی با نقاط شهری دارند. خوب حالا با این وضعیت دولت هر کمکی هم نکند، بازم شرایط اون ها مثل یک کلاف سردرگمه. یعنی یه چرخه معیوب شکل گرفته و همین جوری ادامه دارد. بالاخره باید از یک جا شروع کرد. حتی مقطعی و مرحله به مرحله. باید کاری کرد که در درازمدت روی پای خودشون بایستند».

این گزاره های کلامی، نشان می دهد که شرایط به گونه ای است که اهمیت موضوع بسیار زیاد بوده و عواملی از قبیل: فقر و عدم دسترسی، جبر محیطی و جغرافیایی، خشک سالی و قهر طبیعت، مهاجرت فزاینده روستائیان به شهرها و مهم تر از همه، نقش برجسته توسعه روستایی در توسعه ملی، ایجاب می کند که توانمندسازی و ظرفیت سازی در جوامع محلی ساکن در مناطق روستایی به طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

آنچه از روند بحث تا اینجا استنباط می شود اینکه توانمندسازی جامعه محلی از ضرورت فراوانی برخوردار بوده و به ویژه، ملزومات آن از جنبه های مختلف مهیاست. استان دارای ظرفیت های روستایی بسیار زیادی در بخش های مختلف کشاورزی، دامداری، گردشگری، شیلات، معادن و ... است که برای هم راستا کردن مزایای این پتانسیل ها با منافع جوامع محلی باید راهبردهایی اتخاذ شود. ضمن اینکه جمعیت بسیار جوان استان (با میانگین سنی ۲۳,۵ سال) زمینه مناسبی برای توانمندسازی ایجاد می کند چراکه مخاطبان اصلی برنامه های توانمندسازی، جوانان هستند. البته نکته مهم در این زمینه این است که راهبردهای اتخاذ شده باید مبتنی بر رویکردهای علمی بوده و تجربه اداری و علم دانشگاهی باید در این

زمینه در کنار یکدیگر قرار گرفته تا از آزمون و خطاهای هزینه‌ساز در فرایند ارائه راهبردها و اجرای آنها جلوگیری شود.

یکی از خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش (مصاحبه شماره ۱۲) در رابطه با راهبردهای مؤثر در این زمینه، این‌گونه اظهار نظر می‌کند:

«برای اینکه زمینه توسعه در مناطق روستایی بیشتر فراهم شود باید در وهله اول روی ذهنیت افراد کار بشود. بعضی وقت‌ها مشاهده می‌شود که فرصت‌ها در اطراف افراد وجود دارد ولی قادر به دیدنشان نیستند. یا اینکه فرصت رو می‌بینند اما برای اینکه چطور ازش استفاده کنند سردرگم هستند. فارغ‌التحصیل کشاورزی رو دیدم که در روستاشون زمین کشاورزی و ماشین‌آلات و کارگر و ... دارن اما به شدت دنبال استخدام در یک جایی هست. باید به لحاظ روان‌شناختی خیلی کار شود. شاید خیلی مهم‌تر از تسهیلات بانکی و ... نیاز باشد که روی ذهنیت افراد کار شود».

یا یکی از مشارکت‌کنندگان (مصاحبه شماره ۱۶) که تجربه تسهیلتگری در مناطقی از استان را داشتند این موضوع را این‌گونه روایت کردند:

«یک مشکلی که در خیلی از مناطق روستایی این استان مشاهده کردم، حس درماندگی در اون‌ها بود. یعنی انگار به اون‌ها چیزی به نام نمی‌توانم، نمی‌دانم، همیشه و ندارم تزریق شده بود. شاید در هیچ منطقه‌ای این‌قدر از این کلمات منفی و ناامیدکننده نشنیده‌ام. تا زمانی که این تصورات منفی رو از خودشون دور نکنند نمی‌توانیم کار مؤثری براشون انجام بدیم».

لذا مسئله مهمی که در فرایند تدوین راهبرد باید مورد توجه باشد ضرورت توجه بیشتر به توانمندسازی روان‌شناختی در جامعه هدف است. تا زمانی که ساکنان محلی به درجه لازم از خودباوری نرسند، نه تنها به شرایط اطرافشان آگاهی عمیق پیدا نمی‌کنند بلکه حتی در صورت مشاهده پتانسیل‌های اطراف خود، توانایی لازم برای بهره‌برداری از آنها را در خود احساس نخواهند کرد.

از سویی، داده‌های جمع‌آوری شده نشان از وجود عوامل مداخله‌گری با اثرات منفی در فرایند اجرای راهبردهای توانمندسازی در مناطق روستایی استان است. در زمینه عوامل فرهنگی و اجتماعی که در فرایند توانمندسازی اختلال ایجاد می‌کنند، یکی از مشارکت‌کنندگان (مصاحبه شماره ۱)، نهادگرایی (تشکل‌گرایی) را به عنوان مسئله‌ای مهم، این‌گونه مطرح می‌کند:

«توسعه و توانمندسازی، زمانی محقق می‌شود که نهادها و تشکل‌های محلی به‌وفور در جامعه فعال باشند. این موضوع در استان سیستان و بلوچستان هنوز در ابتدای راه است. وقتی وجود

نهادهای و تشکلهای در جوامع روستایی و محلی نهادینه شد، اون موقع، برنامه ریزی و نیازسنجی و همچنین آسیب شناسی و ارائه راهکار در یک فرایند مشخص صورت می گیرد. بی برنامه‌گی جای خود را به برنامه محوری می دهد. خیلی از مسائلی که به ویژه در مناطق روستایی وجود دارد اگر با عقلانیت مورد بررسی قرار گیرد، مرتفع می شود. ولی برعکس، در بسیاری از این مناطق، مسائل برحسب عرفهای اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرند و عقلانیت و برنامه محوری، محلی از اعراب ندارد. در خیلی از این مناطق، گروههای مرجع به شدت به این رویه عادت کرده اند و علاقه و اراده‌ای برای منسجم کردن فعالیت‌هایشان در یک چارچوب مشخص و سازمان‌دهی شده ندارند».

در پایان این بحث، به بررسی پیامدهایی که توانمندسازی اجتماع محور می تواند بر مناطق روستایی استان داشته باشد پرداخته می شود. اساساً توانمندسازی به بهبود شاخص‌های توسعه در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، اقتصادی و ... منجر می شود. برای تحلیل دقیق‌تر این پیامدها، روایتگری دیدگاه‌های خبرگان در این زمینه مورد بررسی قرار می گیرد.

در فرایند جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌شونده‌ای (مصاحبه شماره ۴) در این زمینه چنین اظهار نظر

کرد:

«به‌رغم محرومیت در برخی از مناطق، اما دولت زیرساخت‌های مورد نیاز رو در اکثر روستاها فراهم کرده است. به‌خصوص روستاهایی که به مناطق شهری نزدیک هستند، از زیرساخت‌های آب، برق، تلفن، اینترنت، جاده، مدرسه و ... برخوردارند. ولی باید بپذیریم که صرفاً با تأمین این زیرساخت‌ها، توسعه در ابعاد پایدار، محقق نمی‌شود. در واقع، این یک بُعد قضیه است. بُعد دیگر این است که چقدر روی زیرساخت‌های انسانی و اجتماعی کار شده. چقدر نیروهای انسانی موجود در روستا از دانش و آگاهی لازم برخوردارند؟ چقدر مهارت‌های لازم رو برای فعالیت در عرصه‌های مختلف فرا گرفته‌اند و چقدر آموزش‌های لازم برای ارتقای دیدگاه‌ها و اعتماد به نفس لازم رو کسب کردند؟ بنابراین، در کنار زیرساخت‌ها باید توانمند هم بشوند. وقتی در ابعاد مختلف توانمند شدند اون وقت هست که خودشون اقتصاد روستاهاشون رو متحول می‌کنند».

در بخش انتهایی پژوهش، الگوی نهایی توانمندسازی اجتماع محور در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان ارائه می شود. این الگو حاصل به کارگیری رویکرد پژوهشی نظریه داده بنیاد در پژوهش حاضر بوده و با توجه به اینکه از تجمیع، سازمان دهی و هم سو کردن دیدگاه های خبرگان و صاحب نظران این عرصه منتج شده است، می تواند به عنوان مدلی قابل اتکا به منظور توانمندسازی و ظرفیت سازی در منابع انسانی ساکن در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان مورد توجه قرار گیرد.

در شکل ۱ الگوی نهایی توانمندسازی اجتماع محور در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان ارائه شده است.



شکل ۱. الگوی توانمندسازی اجتماع محور با رویکرد ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان (حاصل پژوهش حاضر)

بحث و نتیجه گیری

از آنجایی که مناطق روستایی به دلیل شرایط ویژه و خاصی که دارند، از محورهای اصلی توسعه در جوامع مختلف قلمداد می‌شوند، توجه به مقوله «توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در روستایان» شاه‌کلید موفقیت برنامه‌های توسعه روستایی و به تبع آن، توسعه ملی است. لذا پژوهش حاضر با طرح این سؤال محوری که «الگوی کارآمد توانمندسازی اجتماع‌محور در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان چه است؟» آغاز شد.

مبتنی بر یافته‌های پژوهش، «ظرفیت‌سازی در جامعه محلی»، مهم‌ترین عامل محرکه توسعه در این مناطق است. لذا به‌عنوان پدیده محوری پژوهش در نظر گرفته شد. بر اساس الگوی نهایی و در راستای پاسخ‌گویی به این سؤال پژوهش که: شرایط علی در توانمندسازی اجتماع‌محور مناطق روستایی در استان سیستان و بلوچستان چه می‌باشند؟

می‌توان بر اساس یافته‌ها بدین صورت تحلیل و تفسیر کرد که: توانمندسازی در راستای توسعه، یک اصل اساسی بوده و منحصر به جامعه و منطقه خاصی نیست. به‌خصوص در مناطق روستایی، بعید است روند توسعه‌یافتگی جوامع موفق در این زمینه را موردبررسی قرار دهیم و ردّ پایی از «توانمندسازی، مشارکت و مردم‌محوری» مورد مشاهده قرار نگیرد.

استان سیستان و بلوچستان به‌عنوان دومین استان پهناور کشور، ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی دارد که به‌عنوان عوامل علی، اهمیت توانمندسازی را مضاعف می‌کنند. اولین نکته این‌که، دارای بیشترین جمعیت روستایی در کل کشور است. درحالی‌که کمتر از ۲۶ درصد جمعیت ایران در مناطق روستایی ساکن هستند، این آمار در استان سیستان و بلوچستان بیش از ۵۰ درصد است.

موضوع دیگری که در داده‌های پژوهش به تکرار مورد مشاهده قرار گرفت، تأکید بر «دارا بودن» استان است. به‌رغم مباحثی که درباره به محرومیت در این استان مطرح می‌شود، برخی از صاحب‌نظران اعتقاد داشتند، پتانسیل‌ها و قابلیت‌هایی در استان وجود دارد که از ملزومات اصلی و محوری توسعه پایدار، به‌ویژه در مناطق روستایی محسوب می‌شوند و اگر تاکنون مورد بهره‌برداری مطلوبی قرار نگرفته اند، یکی از دلایل اصلی، عدم توانمندی جوامع محلی در ابعاد مختلف است.

دارا بودن بیشترین جمعیت جوان کشور در مقایسه با میانگین کشوری، از دیگر عواملی است که ضرورت توانمندسازی را دوچندان می‌کند. بخش عمده‌ای از این جمعیت جوان در روستاها زندگی می‌کنند. مهم‌ترین نیاز نیروی کار جوان نیز اشتغال است. اشتغال نیز از طریق بهره‌برداری مناسب از

ظرفیت‌ها در بخش‌های مختلف محقق می‌شود. در کنار فراهم کردن زیرساخت‌ها، یکی از ضرورت‌های بالفعل کردن پتانسیل‌ها، فراهم کردن زمینه‌های توانمندی در نسل جوان است.^۱

سؤالی که در ادامه مطرح می‌شود عبارت از این است که: راهبردهای فرایند توانمندسازی اجتماع محور در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان کدام‌اند؟ راهبردهای بسیاری توسط صاحب‌نظران ارائه شده است که اهمیت و زمینه اجرایی کردن هر کدام با یکدیگر متفاوت است. بر همین اساس، در ادامه، مهم‌ترین و اولویت‌دارترین این راهبردها با شرح جزئیات معرفی می‌شود:

طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و روان‌شناختی: راهبردی است که به آگاهی‌بخشی در جامعه محلی منجر خواهد شد. از این طریق باید زمینه ارتقای آگاهی ساکنان از نیازها و پتانسیل‌های محلی فراهم شود. مهم‌ترین مؤلفه‌های این راهبرد عبارت‌اند از: اعطای بورس تحصیلی به دانش‌آموزان برتر روستایی، تأسیس و تجهیز کتابخانه‌های روستایی، برگزاری دوره‌های آموزش شهروندی در روستاها، برگزاری جلسات آموزشی و ترویجی در روستاها، برگزاری جشنواره‌های مختلف در مناطق روستایی، ارتقای دانش و آگاهی زنان روستایی و برگزاری استارت‌آپ‌های روستایی با محوریت ایده‌پردازی.

توسعه ظرفیت‌های کارآفرینی و ایجاد اشتغال:

یکی دیگر از راهبردهایی است که فرایند توانمندسازی را تسهیل می‌کند. البته باید در نظر داشت که برای بهره‌برداری مناسب از قابلیت‌های کارآفرینی و اشتغال، در گام اول باید زمینه‌های توانمندسازی اعضای جامعه محلی فراهم شود. برخی از مؤلفه‌های این راهبرد عبارت‌اند از: تدوین شناسنامه توانمندی روستاهای استان، استقرار صنایع جانبی کشاورزی در روستاهای کانونی، ایجاد مراکز تخصصی کارآفرینی در روستاهای نمونه، مستندسازی تجارب کارآفرینان موفق روستایی، ارائه منابع مالی و تسهیلات بدون بهره، ایجاد بازارچه‌های ثابت و سیار در روستاهای هدف و ارتقای یادگیری و توسعه مهارت‌های کارآفرینی.

۱ جوانان روستایی استان سیستان و بلوچستان هر زمانی که فرصت مهیا بوده سعی کرده‌اند توانمندی‌های خود را در حوزه‌های مختلف به اثبات برسانند به‌ویژه در حوزه مشارکت‌های اجتماعی، شور و اشتیاق فراوانی، به‌ویژه در نسل جوان مشاهده می‌شود در این زمینه می‌توان به «زیبا عزیزی» اشاره کرد که فعالیت‌های منحصر به فرد اجتماعی‌اش باعث شد تا جایزه خلاقیت زنان در زندگی روستایی را توسط «بنیاد جهانی زنان» (WWSF) که بازوی مشورتی سازمان ملل متحد است، در سال ۲۰۱۸ دریافت کند.

بهبود تعامل نهادها و سازمان‌های مرتبط با جوامع محلی:

در فرایند توسعه و توانمندسازی مناطق روستایی، شیوه تعامل سازمان‌ها و کارگزاران دولتی با جامعه هدف بسیار مهم است. از آنجایی که در توانمندسازی، انجام امور بر پایه قابلیت‌های فکری و فیزیکی اعضای جوامع محلی مورد تأکید است، چنانچه این مهم توسط بخش‌های دولتی نادیده گرفته شود، فرایند توانمندسازی عقیم مانده و راه به جایی نخواهد برد. در همین زمینه، مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، ضمن اشاره به کاستی‌ها و آسیب‌های این حوزه تعاملی، راهبردهایی ارائه کرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: تقویت نقش دانشگاه‌ها در توانمندسازی روستایی، عضویت ذی‌نفعان محلی در کارگروه‌های اداری، تهیه سند چشم‌انداز کاربردی برای توسعه روستایی، تخصیص بودجه بر اساس ظرفیت‌سازی دهیاران، تجدیدنظر در معیارهای انتخاب دهیاران نمونه، بهبود جایگاه متخصصین بومی در سیستم اداری، عملیاتی شدن قانون مبادلات مرزی در استان و توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در روستاها.

راهبردهای فرهنگی و اجتماعی:

توانمندسازی اجتماع‌محور پدیده‌ای است که به شدت از متغیرهای فرهنگی و اجتماعی متأثر است. در همین زمینه، برخی از راهبردهای این حوزه عبارت‌اند از: بالا بردن روحیه مشارکت‌پذیری جامعه محلی، حمایت از ایجاد و توسعه نهادهای مدنی، توانمندسازی زنان روستایی، بازتولید مفاهیم اساسی فرهنگ روستا، گسترش فرهنگ خودباوری و کار گروهی و استفاده بهینه از ظرفیت نخبگان و متنفذین محلی. برخی از زمینه‌های اجرای این راهبرد، متأثر از ساختار اجتماعی منطقه، در مناطق روستایی استان وجود دارند. این ساختار، عمدتاً مبتنی بر مناسبات قومی، طایفه‌ای و متأثر از بافت فرهنگی و باورهای محلی است. بدین مفهوم که اکثریت زیرمعیارهای این مؤلفه، به‌طور طبیعی در میان ساکنان مناطق روستایی وجود داشته و قرار گرفتن اکثر افراد هر روستا در ذیل پایگاه اجتماعی «قوم» منجر به انسجام اجتماعی بیشتر در این مناطق شده است.

راهبردهای تیم‌سازی، شبکه‌سازی و مدیریت محلی:

موضوع دیگری که در فرایند توانمندسازی اعضای جامعه محلی نقش مهمی دارد، این است که قابلیت‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی در آن‌ها تقویت و بهبود یابد. نقش مدیریت محلی در اجرای کارآمد طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای در مناطق روستایی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است. قاعدتاً کارگزاران دولتی به‌صورت تمام‌وقت در محل حضور ندارند و از این جهت چنانچه اعضای جامعه محلی اصول اولیه مدیریت و برنامه‌ریزی را بیاموزند، قادر خواهند بود ضمن شناسایی و آگاهی از نیازها و پتانسیل‌های محلی، در فرایند اجرا و نظارت بر پروژه‌ها به‌گونه‌ای عمل کنند که شفافیت لازم ایجاد شده و میزان انحراف طرح‌ها از اهداف واقعی، به حداقل برسد.

مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که برای این راهبرد معرفی شده است عبارت‌اند از: ایجاد دفاتر تسهیلگری در روستاهای کانونی، تشکیل کمیته راهبری در روستاها، آموزش تکنیک‌های مسئله‌یابی و حل مسئله، آموزش تشکیل و مدیریت گروه‌های محلی، آموزش تکنیک‌های برنامه‌ریزی و اجرا و تشکیل کارگروه‌های تخصصی متشکل از روستاییان.

چالش‌هایی که پژوهشگر در مراحل مختلف با آن‌ها مواجه بوده و یا محدودیت‌های کاربرد نتایج

این پژوهش عبارت‌اند از:

- تعداد افرادی که علاوه بر تسلط علمی بر حوزه توانمندسازی، به‌ویژه از بافت فرهنگی و اجتماعی استان، شناخت کافی داشته باشند، اندک بود.

- به دلیل گرفتاری مسئولان این حوزه در دام دیوان‌سالاری دولتی، متأسفانه در فرایند برخی از مصاحبه‌ها، نشانه‌های عمیقی از درماندگی و ناامیدی از بهبود شرایط احساس می‌شد. این رویه باعث می‌شد عمدتاً بر کاستی‌ها (عوامل مداخله‌گر) و پتانسیل‌های موجود تأکید کنند اما نتوانند راهبردهای شفاف، عملی و همراه با جزئیات ارائه کنند.

- به دلیل همان مسئله فوق‌الذکر و نبود سازمانی با دیدگاه توسعه‌ای در امور روستایی، متأسفانه دسترسی به اطلاعات جامع و کافی از موقعیت روستاهای استان در ابعاد مختلف وجود ندارد.

پیشنهادهای تحقیق

- با توجه به اینکه مطابق یافته‌های پژوهش یکی از مهم‌ترین عوامل عدم بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های مناطق روستایی در استان سیستان و بلوچستان، ضعف در جنبه‌های روانشناختی ساکنان این مناطق از پتانسیل‌های محلی است، به دفتر امور روستایی استانداری پیشنهاد می‌شود زمینه‌های تدوین «شناسنامه توانمندی روستاهای استان» را فراهم نمایند.

- علیرغم اینکه استان سیستان و بلوچستان بالاترین میانگین جمعیت روستایی در کشور را دارا می‌باشد اما در طی سال‌های اخیر روند مهاجرت از روستاها به شهر تشدید شده است. یکی از مهم‌ترین این دلایل، دسترسی به امکانات آموزشی مناسب‌تر برای تحصیل فرزندان است. لذا به آموزش و پرورش استان پیشنهاد می‌شود طرح «اعطای بورس تحصیلی به دانش‌آموزان برتر روستایی» را تدوین و زمینه‌های اجرای آن را فراهم نمایند.

- پارک علم و فناوری استان از طریق ایجاد مراکز تخصصی کارآفرینی در روستاهای نمونه می‌تواند به نهادینه‌سازی این رویکرد در مناطق روستایی کمک نماید. همچنین استقرار صنایع جانبی کشاورزی در روستاهای کانونی می‌تواند باعث توانمندی کشاورزان در زمینه ایجاد ارزش افزوده از محصولاتشان شود.

- به سازمان‌های متولی امور روستایی پیشنهاد می‌شود با عضویت ذینفعان محلی در کارگروه‌های اداری، زمینه استفاده از نظرات آن‌ها در تصمیم‌گیری و به تبع آن، مشارکت مؤثر در اجرای تصمیمات فراهم شود.

منابع

- ایمانی جاجرمی، حسین و نوایی، آیدا (۱۳۹۳). بررسی راه‌های دستیابی دهیاری به درآمد‌های پایدار بر اساس ظرفیت اجتماع محلی، نشریه توسعه محلی (شهری و روستایی)، دوره ششم، شماره ۲، صص ۲۵۴-۲۳۳.
- بریمانی، فرامرز؛ جلالیان، حمید؛ ریاحی، وحید؛ مهرعلی تبار فیروزجائی، مرتضی (۱۳۹۶). الگوی تحلیلی اثربخشی سازمان‌های محلی اجتماع محور بر سرمایه اجتماعی نواحی روستایی بخش بندپی شرقی شهرستان بابل، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال ۱۵، شماره ۲ (پیاپی ۲۹)، صص ۹۴-۷۱.
- بریمانی، فرامرز؛ جلالیان، حمید؛ ریاحی، وحید؛ مهرعلی تبار فیروزجائی، مرتضی (۱۳۹۵). بررسی ابعاد اثربخشی سازمان‌های مالی اجتماع محور بر توسعه اجتماعی- اقتصادی نواحی روستایی، دو فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۳، شماره ۸، صص ۲۲۸-۱۹۵.
- رفیعیان، مجتبی؛ خدایی، زهرا؛ داداش‌پور، هاشم (۱۳۹۳). ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی، به‌منابۀ رویکردی در توانمندسازی نهادهای اجتماعی، جامعه‌شناسی نهادهای محلی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۶۰-۱۳۳.
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۱). تربیت شهروندی، تهران: نشر نی.
- یوسفی‌سادات، محرم؛ انسیه جمشیدی؛ صادقیه اهری، سعید (۱۳۹۳). راهنمای آموزشی مدل توانمندسازی جوامع روستایی، نشر پژوهشکده محیط زیست، نوبت اول.

- Arifudin, Besri, N. Maswadi (2013). Program of community empowerment prevents forest fires in Indonesian peat land. *Procedia Environmental Sciences*, 17: 129-134.
- Boley, B. B., McGehee, N. G., Perdue, R. R., & Long, P. (2014). Empowerment and resident attitudes toward tourism: Strengthening the theoretical foundation through a Weberian lens. *Annals of Tourism Research*, 49, 33-50.
- Engel, P., Keijzer, N. and Land, T. (2012). *A Balanced Approach to Monitoring and Evaluating Capacity and Performance: A proposal for a framework*. Discussion paper no. 58, E, ECDPM.
- Hossein, M., Asadullah, M. N., Kambhampati, U. (2019). Empowerment and life satisfaction: Evidence from Bangladesh. *World Development*, Vol, 122, pp. 170-183.
- James; M. (2013) Capacity building and Rural Development. *International Journal of Rural and of Development*, University Press Management, pp145-155.
- Nyuapane, G.P., & Poudel, S. (2011). Linkages among biodiversity, livelihood and tourism. *Annals of Tourism Research*, 38(4), 1344-1366.
- Spath, L; Scolobig, A. (2017). Stakeholder empowerment through participatory planning practices: The case of electricity transmission lines in France and Norway. *Energy Research & Social Science*, V, 23, pp. 189-198.

Strauss, A. and Corbin, J. (1994). *Grounded theory methodology: An overview*. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of qualitative research*. Research (pp. 275-275). Thousand Oaks, CA: Sage.

Strzelecka, M., Boley, B. B., & Woosnam, K., K. (2017). Place attachment and empowerment: Do residents need to be attached to be empowered?. *Annals of Tourism Research*, No, 66, pp. 61-73.